

دژبلند

یکی از مفاهیم زیبایی که برای همه انسان ها جذاب است، مفهوم آزادی است، اینکه انسان دوست دارد از قید و بندها رها باشد. اما وقتی بهتر درنگ می کنیم درمی یابیم که هر بندی بدن نیست و هر قیدی را نباید دور انداخت، بلکه بعضی قیدوبندها برای سلامت انسان لازم هستند یا اینکه به او شخصیت و زیبایی می بخشند.

تقوا و پرهیزگاری از جمله قیدوبندهایی است که مثل حفظ لباس از آلودگی، وجود انسان را از ننگ‌ها و پلیدی ها حفظ می کند.

تقوا چیزی است که اضطراب ما را از بین می برد. آدمی که با تقواست حرکات خودش را کنترل می کند. اگر در مسیر تقوا قرار گرفتیم، هیچ گاه رفتاری انجام نمی دهیم که بر ایمان حادثه رخ دهد زیرا طبق معارف دینی اگر رفتاری مضر بود، خدا به من می گوید انجام نده و خود را از آن حفظ کن و در مقابل این اتفاقات، تقوا مصونیت می آورد نه محدودیت.

آیا تاکنون از خود پرسیده اید که واقعا چه کسی تمام نعمت های دنیا را داراست؟ پیامبر عزیز اسلام حضرت محمد^(ص) در پاسخ به این پرسش می فرمایند: هر که شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز برخوردار باشد. نعمت دنیا بر او تمام شده است: کسی که صبح و شامش را در تندرستی و آسایش خاطر بگذراند و خوراک روز خود را داشته باشد و اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت را کامل دارد و چهارمین نعمت، ایمان است.

امام صادق^(ع) نیز در حدیثی زیبا می فرمایند: نعمت دنیا، امنیت و تندرستی است و نعمت کامل در آخرت، وارد شدن به بهشت است و بنده ای که به بهشت نرود هرگز نعمت بر او کامل نشده است. (منتخب میزان الحکمه: ۵۶۴) در واقع بروز ایمان در رفتار انسان به وجود تقواست و به این بهشت جز با تقوا نمی توان دست یافت.

تقوای عملی که خداوند به آن دستور فرموده است در تعبیر و تشبیه دیگری، مانند قلعه و دژ محکمی است که باید پیرامون هر شهری بنا شود و در فرمایش علی^(ع) آمده است:

اعلموا عباد الله ان التقوی دار حصن عزیز، والفجور دار حصن ذلیل، لایمنع اهله ولا یحز من لجا الیه. الا بالتقوی تقطع حمه الخطایا.

(نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.۷)

در این بیان نورانی بر این معنی تأکید شده که تقوا حفاظ و پناهگاه است، نه زنجیر و زندان و محدودیت. بسیاری کسانی که میان مصونیت و محدودیت فرق نمی نهند و با نام آزادی و رهایی از قید و بند به خرابی حصار تقوا فتوا می دهند.

قدر مشترک پناهگاه و زندان «مانعیت» است اما پناهگاه مانع خطر هاست و زندان مانع بهره برداری از موهبت ها و استعدادها. این است که علی^(ع) می فرمایند: بندگان خدا بدانید که تقوا، حصار و بارویی بلند و تسلط ناپذیر است و بی تقوایی و هرزگی، حصار و بارویی پست است که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و فردی که به آن پناه بیرد حفظ نمی کند، همانا با نیروی تقوا نیش گزنده خطاکاری ها بریده می شود.

علی^(ع) در این بیان عالی گناه و لغزش را که به جان آدمی آسیب می زند به گزنده ای از قبیل مار و عقرب تشبیه می کنند و می فرمایند که نیروی تقوانیش این گزندگان را قطع می کند.

برادران و خواهران جوان، شما که اول زندگی تان است و پهنه عظیمی از عمر در مقابل شما وجود دارد و نگرانی ها در عرصه زندگی شما را فرا گرفته است، با تقوا به دنبال حفظ خود و رهایی از نگرانی ها باشید، هرچه خداوند به آن نه گفته، ترک کنید و هرچه واجب دانسته، انجام دهید. اگر از همین الان با تقوا باشید، یقین داشته باشید هیچ مشکل و مصیبتی برای شما واقع نخواهد شد، چون خداوند فرموده است افراد با تقوا در جایگاهی بلند و دارای امنیت، آرامش و سلامت هستند.

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

ویرس

حکم قرائت نادرست امام جماعت



در این ستون به پرسش های شمارد باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید با ارسال پیامک پرسش های خود را به شماره ۰۷۲۸۹۰۰۰ با ما در میان بگذارید.

● اگر امام جماعت در نمازی سهواً قرائت را غلط بخواند و در همین حال به نمازش ادامه دهد، آیا برای نمازهای بعدی می‌توان نمازش را صحیح دانست و به او اقتدا کرد یا اینکه باید احرار شود که نمازهای بعدی اش را درست و صحیح می‌خواند؟

● آیت‌ا... العظمی خامنه‌ای

در نمازهای بعدی می‌توان به او اقتدا کرد، البته اگر مأوم، اشتباه امام در قرائت را متوجه شود، می‌تواند (به‌طوری که موجب بطلان نمازش نشود) امام را متوجه کند تا امام اشتباه را تصحیح کند، وگرنه باید قصد فرادا کند و قرائت را خودش بخواند.

● آیت‌ا... مکارم شیرازی

در حمد و سوره می‌تواند با بلند گفتن آن کلمه، به امام یادآوری کند تا آن را بخواند و اگر اشتباه خواننده تصحیح کند. ولی اگر امام وظیفه خود را انجام ندهد، نماز مأومومین اشکال دارد و احتیاط واجب اعاده نماز است و در اعمال دیگر (غیرکنی) نیز باید با علامت و اشاره‌ای او را مطلع کند و اگر امام متوجه نشد، نماز امام و مأومومین صحیح است. البته اگر این اشتباه امام در تشهد و قنوت باشد مأوم نباید بخواند، ولی نمی‌تواند پیش از امام برخیزد، یا پیش از امام به رکوع رود.

● آیت‌ا... سیستانی

اگر فرد در صحیح‌بودن حمد و سوره امام جماعت شک داشته باشد، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند در محلی که امام خواندن حمد و سوره را از طرف مأومومین به عهده می‌گیرد، مثل رکعت اول یا دوم قبل از رکوع، به او اقتدا کند، البته اگر بداند که امام جماعت قرائتش صحیح است ولی احتمال بدهد از روی سهو و اشتباه قرائت را غلط می‌خواند، به این احتمال اعتنا نمی‌شود و قرائتش حمل بر صحت می‌شود و می‌تواند به او اقتدا کند.



۲۳ شنبه
۲۲ بهمن ۱۳۹۱
۲۲ فروردین ۱۳۹۲
شماره ۳۸۸۱

۱۴



شهرآرا شاخص های تربیت دینی در خانواده

از منظر آیات و روایات را بررسی می کند

ساحل کریم! خداوند متعال هنگامی که نعمت داشتن فرزندان را به هر انسانی عطا می کند به غیر از شیرینی و حلاوت برخورداری از نعمت داشتن فرزند، مسئولیت سنگین تربیت اسلامی را بر عهده والدین می گذارد. چرا که تربیت نیکوی فرزند زمینه ساز سعادت دنیا و آخرت انسان است. آن گونه که خداوند متعال در آیه ۶۸ سوره تحریم خطاب به مؤمنان فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست، نگهدارید. به همین دلیل تعلیم و تربیت دینی فرزندان در محیط خانواده و آماده سازی فرزندان برای ورود به اجتماع بزرگ تر موضوع بسیار مهمی است که والدین باید اهتمام ویژه ای بدان داشته باشند. در این صورت است که شاهد شکوفایی خانواده و جامعه ای میرا از هر گونه پلشتی و آلودگی فکری و رفتاری خواهیم بود.

دعوت به کار نیک و پرهیز از

ارتکاب به گناه را در خانواده کلید بزئید

یکی از وظایف مهم والدین که بزرگان دین به صراحت درباره آن سخن گفته و **خواد تحقیق** این در کانون خانواده شده اند، استفاده از شیوه های تربیتی دینی برای تعلیم و تربیت فرزندان است که از جمله آن ها می توان به تحقق اشاعه خوبی ها و پرهیز از بدی ها در کانون خانواده اشاره کرد. این موضوع بدان بایت حائز اهمیت است که اگر والدین در کانون خانواده خیر و خوبی را در اعمال و رفتارشان جاری و ساری کنند و در پیدا و پنهان از دید فرزندان شان از انجام گناهان پرهیز کنند، قطع به یقین آثار تربیتی این رفتار نه تنها درون خانواده، بلکه نمود و اثرگذاری خود را در زوایای مختلفی در جامعه نشان می دهد. حضرت محمد^(ص) در پاسخ به سؤالی در این زمینه که چگونه انسان می تواند اهل و فرزندانش را از آتش (شامل آتش دنیا و آخرت) نجات دهد، فرمودند: آن ها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده بازدارید. اگر از شما پذیرفتند آنان را از آتش جهنم حفظ کرده اید و اگر قبول نکردند به وظیفه خود عمل کرده اید.

شیوه عملی تربیت، روش تربیتی انبیاست

شیوه نمادین عملی، شیوه دقیق تربیتی است که به طور پنهان اما بسیار اثرگذار منجر به شکل گیری شخصیت و تعمیق تربیت اسلامی در کانون خانواده می شود، چرا که شیوه عملی با ظرافتی که در دل خود دارد دامنه اثرگذاری گسترده ای دارد. تربیت از راه عمل یکی از شیوه های تربیتی انبیا و اولیای الهی است به این معنا که پیش از آنکه مردم را به چیزی امر کنند خود عامل به آن بودند، بنابراین به الگوی تربیت دینی تبدیل می شدند. با توجه به اینکه فرزندان در اولین رفتارهایی که از خود نشان می دهند حرکات، گفتار و اعمال والدین را تقلید می کنند، این شیوه رفتاری می تواند زمینه تربیت فرزندان را فراهم کند. پیامبر گرامی اسلام^(ص) در این باره فرموده اند: نماز بگذارید، آن گونه که می بینید من نماز می گزارم.

وصیت به خیر و حق،

راه دیگر تربیت اسلامی است

قرآن کریم یکی از روش های مؤثر و مفید در تربیت را مسئله «وصیت» دانسته است. وصیت به عنوان یک روش تربیتی فقط در هنگام مرگ و آن هم برای تقسیم اموال و تعیین تکالیف به کار نمی رود، بلکه وصیت که به معنای سفارش و خواستن بعضی امور است، به طور گسترده در شریعت اسلام برای بیان وظایف فردی و اجتماعی و رعایت مسائل اخلاقی به کار رفته است. قرآن کریم از حضرت عیسی^(ع) نقل می کند: «واوصانی بالصلوه و الزکوه ما دمت حیا، خداوند به من وصیت و سفارش کرد که تا وقتی زنده هستم، نماز بخوانم و زکات بپردازم.

خداوند به انسان سفارش می کند که «و وصینا الانسان بوالدیه حسنا» یا پدر و مادر خود به خوبی رفتار کند، ولی اگر آن ها فرزندان خود را اودار کنند که، «لتشربک بی مالیس لک به علم فلا تطعمها، آنچه را که نمی دانند شربک خدا قرار دهند، در این صورت نباید از آنان اطاعت کند.

خانواده بهشتی

شیوه های کلامی و رفتاری، اثرگذارترین روش تربیت دینی در خانواده

شیوه کلامی و رفتاری در تربیت دینی از اثرگذارترین شیوه ها برای تربیت یک خانواده دینی است. شیوه هایی که والدین در کنار هم نه به طور مجزا برای پرورش روح و تعالی شخصیت و تعمیق بخشیدن به روان فرزندان باید بدان متوسل شوند که از جمله آن ها می توان به شیوه کلامی یا امر و نهی های والدین درباره بایدها و نبایدهای زندگی بدان توجه کرد، بخش درخور توجهی از آن ها مختص به انجام احکام دینی است. تربیتی که اگر والدین بدان اهتمام ورزند، زمینه ساز رشد و شکوفایی حس دینی فرزندان می شود. مسئله مهم این است که گفتار والدین، شامل دستوری و غیردستوری، حتی سخنان معمولی آن ها در شکل گیری رفتار و افکار فرزندان بسیار تأثیرگذار است به همین دلیل والدین باید از دروغ گویی، سرزنش دیگران و انجام رفتارها و گفتارهایی که تناقض بین سخن و عمل والدین را به نمایش می گذارد، پرهیز کنند تا فرزندان شاهد اجرای دقیق آموزه های دینی از سوی والدیشان باشند.

برنامه های عملی همیشه مؤثرترین برنامه هاست؛ زیرا عمل، حکایت از ایمان عمیق انسان به گفتارش است و سخنی که از دل برآید بر دل می نشیند. چنان که در روایت آمده است: «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لاتکنوادعاة الناس بالسننکم»، مردم را با رفتار خود به حق رهبری کنید، نه با زبان خویش. همیشه وجود الگوها و سرمشق های بزرگ در زندگی انسان ها وسیله مؤثری برای تربیت و پرورش روحی آنان بوده است، به همین دلیل، پیامبران و پیشوایان معصوم^(ع)، مهم ترین قسمت هدایت و تربیت را با عملشان نشان می دادند.

در قرآن کریم واژه «اسوه، سه بار به کار رفته است: یک بار درباره پیامبر اسلام^(ص)، لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، قطعاً برای شما در (اقتدا به) رسول خدا^(ص)، سرمشقی نیکوست: «برای آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد و خدا را فراوان یاد می کند.، و دوبار درباره حضرت ابراهیم^(ع) و پیروانشان، بنابراین آیات و روایات قرآن بیانگر آن است که والدین، اولین آموزگاران و الگوهای فرزند خود به شمار می روند پس رفتار، گفتار و کرداری قرآنی و ایمانی برای اثرگذاری بهتر در تربیت فرزندان شان باید داشته باشند.

قابل فهم بودن دستورات والدین

برای تحقق تربیت دینی یک شرط واجب است

یکی از شرط های لازم برای تأثیر امر و نهی والدین در محیط خانه، قابل فهم بودن آن برای فرزندان است. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی فرزندان آن ها را مشمول تربیت دینی قرار دهند، چرا که یکی از شیوه های مهم تربیتی اولیای خدا تبلیغ دین با توجه به سطح استعداد و درک و فهم مردم بوده است. پیامبر اکرم^(ص) در این باره می فرمایند: «ما گروه پیامبران مأومر شده ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم. این روش در سیره ائمه معصوم^(ع) نیز وجود داشته و نحوه برخورد و گفت وگویی آنان با توجه به تفاوت سطح فکری و علمی افراد متفاوت بوده است. بر این اساس امام صادق^(ع) در زمینه مسائل اعتقادی و اثبات صانع با کسی که از اهل علم بود، از روش پیچیده فلسفی استفاده کردند، ولی با دیگری که سطح فکری پایین تری داشت، برای اثبات امامت و رهبری، مثال ساده چوپان و گله را مطرح کردند. این شیوه به لحاظ تربیتی اهمیت فراوان دارد و بهره گیری مربیان از این روش و توجه پدر و مادر به آن ضروری است.